

**بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان  
(مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر اراک)**

مرتضی نجیمی<sup>۱\*</sup>

معصومه اسمعیلی<sup>۲</sup>

ابراهیم نعیمی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۷/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

**چکیده:** در نتیجه‌ی فرآیند نوسازی جامعه تفاوت‌های گسترده‌ای کرده و این تفاوت‌ها روشی که افراد هویت شخصی خود را تعریف می‌کرده‌اند، تغییر داده است. هویت موضوع بسیار مهمی است که در صورت تحقق، ضامن سلامت و در غیر این صورت خطری بزرگ محسوب می‌شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان انجام شد. در پژوهش حاضر از رهیافت کیفی و روش نظریه زمینه‌ای برای درک و تفسیر نوسازی بر سردرگمی نقش استفاده گردید. فرآیند گردآوری داده‌ها مشتمل بر ۲۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته با افراد ۲۰ تا ۳۰ ساله بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند آغاز و تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها و به روش آنالیز محتوای کیفی انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۳ مقوله عمده ناشی از نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان مؤثر بوده است. این مقولات عبارت بودند از گستردگی دامنه‌ی انتخاب، تغییر ساختار رابطه، و پیامدهای غیر قابل اجتناب ناشی از زندگی صنعتی. بدیهی است که با استفاده از یافته‌های این پژوهش و توجه به آن‌ها در سیاست‌های گذاری‌های خرد و کلان، از جمله سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و آموزشی می‌توان انتظار بهبود در فرآیند هویت‌یابی جوانان و رهایی از سردرگمی که دچار آن شده‌اند را داشت.

**واژگان کلیدی:** نوسازی، هویت‌یابی، سردرگمی نقش، نظریه زمینه‌ای.

۱- کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). m\_najimi@yahoo.com

۲- دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳- استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

#### مقدمه

به اتفاق نظر عامه در دهه‌های اخیر کشور ما در حال وارد شدن به دوره جدیدی از تاریخ خود قرار دارد. دوره‌ای که با واژه مدرنیته<sup>۱</sup> یا نوسازی توصیف می‌گردد. یکی از مباحثی که با شروع عصر مدرنیسم همواره مورد نظر کارشناسان و تحلیل‌گران بوده، مسئله بحران‌های جامعه مدرن است. به تعبیری حتی می‌توان جامعه‌ی در مسیر مدرنیسم را جامعه بحران نامید. یکی از مهم‌ترین بحران‌های جامعه مدرن و جوامع در حال گذار، بحران هویت<sup>۲</sup> است (میرساردو، کاوسی، ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷). مارسیا (۱۹۸۰) به‌عنوان یک روان‌شناس رشدی، هویت را سازمان پویای درونی خودساخته‌ای از سائق‌ها، توانایی‌ها، عقاید و تاریخچه‌ی فردی می‌داند و بیان می‌کند به مقداری که این ساختار بهتر رشد یابد، افراد به همان مقدار از یگانگی خود و شباهتشان با دیگران و همچنین از نقاط قوت و ضعف خود در ساختن مسیرشان در دنیا آگاه‌تر خواهند بود و به میزانی که این ساختار کم‌تر توسعه یابد افراد در مورد تمایز خود با دیگران سردرگم‌تر خواهند بود و برای ارزشیابی خودشان بیش‌تر به منابع بیرونی تکیه خواهند کرد. از نوشته‌های اریکسون نیز این‌گونه استنباط می‌شود که او هویت را دستیابی به تعریف مشخصی از خود و پاسخی به سؤال «من کیستم؟» می‌داند که موجب می‌شود فرد از احساسات خود درباره‌ی خودش مطمئن شود و شخصیت، اهداف و ریشه‌های مشخصی برای خود تعریف نماید. همچنین او معتقد است که شکل‌گیری یک هویت منسجم به زندگی افراد پیوستگی و انسجام می‌بخشد و نقش اساسی را در عملکرد روان‌شناختی مطلوب ایفا می‌کند و سردرگمی نقش نیز با خود نامنسجم مرتبط است. به نظر می‌رسد افراد دچار سردرگمی نقش با نیازهای درونی خود در ارتباط نیستند و انرژی‌ای برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط با جست‌وجوی هویت و تعهد به انتخاب‌های تعریف‌کننده‌ی زندگی ندارند (اریکسون، ۱۹۶۸؛ نقل از لویکس<sup>۳</sup>، کلیمسترا<sup>۴</sup>، دوریز<sup>۵</sup>، پتجم<sup>۶</sup> و بیرز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، هویت شخصی<sup>۸</sup> نقش حیاتی را در زندگی انسان ایفا می‌کند و به‌عنوان قطب نمای عقلانی و اخلاقی، راهنمای انتخاب‌ها و اعمال فرد است و موجب تجانس و یکپارچگی آنها می‌شود. هویت شخصی فرد

---

1- Modernity

2- Identity Crisis

3- Luyckx, K.

4- Klimstra, T.

5- Duriez, B.

6- Petegge, S.

7- Beyers, W.

8- Personal Identity

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

را قادر می‌سازد تا برای زندگی خود برنامه‌ریزی کند و به آن جهت ببخشد و همچنین، این یقین را به او بدهد که زندگی او بازتابی از انتظارات دیگران و یا بازیچه‌ی فشارهای درونی و بیرونی است (پارخ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). اهمیت برخورداری از هویت تا آنجایی است که اریک فروم یکی از نظریه‌پردازان بزرگ حوزه‌ی شخصیت آن را به‌عنوان یک نیاز روان‌شناختی اساسی مطرح می‌کند و در کنار نیازهایی چون نیاز به ارتباط<sup>۲</sup> و تعالی<sup>۳</sup> جای می‌دهد (شولتز<sup>۴</sup> و شولتز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). او نیاز به هویت را نیاز به آگاهی از جدا و مستقل بودن و اختیار اعمال خود را داشتن می‌داند و عقیده دارد انسان‌ها با تحقیق و اکتشاف باید هویت منحصربه‌فرد خود را بسازند (گنجی، ۱۳۹۱).

رولومی نیز به‌عنوان نظریه‌پرداز وجود‌گرا، بی‌هویتی و سردرگمی نقش را علت اصلی و زیربنایی مشکلات مردم می‌داند و بیان می‌کند: «تعمق در شکایت‌های مردم از نداشتن استقلال فکر و ناتوانی‌شان به تصمیم‌گیری در حل مسائل و رفتاری‌های خود نشان می‌دهد که مشکل اصلی و زیربنایی آنان نداشتن یک میل یا نیاز مشخص و معین است؛ در توفان‌های بزرگ و کوچک زندگی خود را بی‌قدرت و چون کشتی بی‌لنگر و دست‌خوش موج و طوفان احساس می‌کنند، خویشتن را تهی و فاقد تکیه‌گاه درونی می‌بینند». او احساس هویت شخصی را احساس مشخص و متمایز بودن از دیگران می‌داند و ادعا می‌کند وقتی بیماری‌های مختلف جسمانی، روانی و روحانی (نامیدی و احساس بی‌معنا بودن در زندگی) انسان، از دیدگاه «خود» نفسانی او مطالعه می‌شود، نتایج نشان می‌دهد همه به‌نوعی با مشکل یافتن مقام و هویت شخصی در این جهان ارتباط دارد (می<sup>۶</sup>، ۱۳۹۳). اریکسون نیز معتقد بود افراد دچار سردرگمی به هدف و معنای وجودی خود شک می‌کنند و دچار یاس و سردرگمی گردند (سوکول، ۲۰۰۹).

بنابراین برخورداری از خود منسجم در سلامت روان فرد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. علاوه بر موارد ذکر شده شاهد این مدعا این موضوع نیز می‌تواند باشد که در ادبیات روان‌شناسی، در تعبیر و تفسیر سایکوزها از واژه‌ی تجزیه شخصیت یا تجزیه هشیاری استفاده می‌شود. هویت‌یابی شامل امتحان کردن امکانات مختلف زندگی و حرکت تدریجی به سمت یک تصمیم پایدار است و فرآیند کشف هویت عمدتاً در اوایل بزرگسالی روی می‌دهد (آرنت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). دوره‌ای که افراد در آن باید به انتخاب‌های عمده‌ای دست

- 
- 1- Parekh, B
  - 2- Relatedness
  - 3- Transcendence
  - 4- Schultz, D
  - 5- Schultz, S
  - 6- May
  - 7- Arnett, J

بزنند و راه را برای ادامه مسیر زندگی خود برگزینند. تصمیماتی از قبیل انتخاب شغل، ازدواج، پیروی از عقاید و گرایش‌های مذهبی و سیاسی خاص و شکل دادن جهان‌بینی.

اگر فرد این مسیر را با موفقیت طی کند و بداند که کیست و چه می‌خواهد به هویت دست پیدا کرده است در غیر این صورت شخص دچار بحران هویت<sup>۱</sup> یا سردرگمی نقش<sup>۲</sup> است. سردرگمی نقش زمانی است که فرد از جایگاه خود در جامعه مطمئن نیست و نمی‌تواند نقش مشخصی را انتخاب کند (گنجی، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد این افراد نمی‌دانند کیستند، به کجا تعلق دارند، یا به کجا می‌خواهد بروند (شولتز، ۲۰۰۵).

عوامل متعددی می‌توانند زمینه‌ساز بروز سردرگمی نقش شوند که از جمله آنها می‌توان به شیوه‌های فرزند پروری (پرهیزگار، محمود نیا و محمدی، ۱۳۸۸)، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی (دوران، ۱۳۸۹) و بزرگ شدن در شرایط پیچیده و به سرعت در حال تغییر (گنجی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. یکی دیگر از عواملی که موجب سردرگمی نقش می‌شود و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمود گسترده‌ای دارد نوسازی<sup>۳</sup> است (هرمانسداتیر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱ و آپریشچنکو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). نوسازی به مجموعه فرآیندهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن یک جامعه خاص به دنبال کسب ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که به‌عنوان ویژگی‌های معمول یک جامعه مدرن در نظر گرفته می‌شود (مارتینلی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). نوسازی یا مدرنیته با وجود فراهم کردن زمینه برای پیشرفت‌های خیره‌کننده در حمل‌ونقل، ارتباطات، نظام آموزشی، نظام بهداشتی، تکنولوژی، قشریندی اجتماعی و ابعاد دیگر زندگی که موجبات آسایش و رفاه را فراهم کرده‌اند چالش‌های بی‌شماری را نیز در زمینه‌هایی چون هویت‌های سنتی، فرهنگی، مسائل اخلاقی، مذهب و ملیت موجب شده است. زمانی که این موارد به چالش کشیده می‌شود طبیعتاً هویت شخصی نیز نمی‌تواند ثابت و بدون تغییر باقی بماند (پارخ، ۲۰۰۸).

پژوهش‌های متعددی بر تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش صحنه می‌گذارند. کوپسکو<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «جنبه‌های ساخت هویت در درون موقعیت جهانی شدن» بر مشکلات ساختاری هویت اجتماعی و فردی در شرایطی که جهانی شدن روی داده است تمرکز کرده است. نگارنده مفهوم هویت را از دیدگاه رشته‌های مختلف علمی، مدرن و پست‌مدرن تحلیل می‌کند. در نهایت در این تحقیق عنوان شده است که

- 
- 1- Identity Crisis
  - 2- Role Confusion
  - 3- Modernization
  - 4- Hermannsdóttir, M.
  - 5- Apyrshchenko, V
  - 6- Martinelli, A
  - 7- Copesescu, S

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

وجود یک رویکرد استراتژیک جدید برای تعریف و تفسیر هویت در عصر جهانی شدن، به منظور توضیح و فهم اجتماعی در سطوح مختلف، منطقه‌ای و جهانی ضروری است. سلطانیان (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه جهانی شدن با هویت معنوی در میان جوانان شهر اصفهان (مورد مطالعه: جوانان ۳۰-۱۷ سال) پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد، جهانی شدن رابطه معکوسی با هویت معنوی افراد دارد. و بررسی‌های دقیق‌تر نشان داده که تأثیر جهانی شدن به صورت مستقیم بر هویت دینی افراد و به صورت غیرمستقیم بر هویت معنوی افراد مشاهده شد

کردی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه (مانند وایبر، واتس آپ، تانگو و بی تاک) بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده تفاوت معناداری در هویت اجتماعی بین کسانی که از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند و کسانی که استفاده نمی‌کنند، وجود دارد. این تفاوت همچنین در چهار بعد هویت جنسیتی، هویت ملی، هویت جهانی و هویت دینی نیز مشاهده شد و تنها در هویت خانوادگی تفاوت معناداری وجود نداشت. پژوهش‌های خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۳)؛ رضایی قادی (۱۳۹۱)؛ معمار و همکاران (۱۳۹۱)؛ ذوالفقاری و سلطانی (۱۳۸۹) رفعت جاه و شکوری (۱۳۸۷)؛ سعید معیدفر و عبدالوهاب شهلی‌بر (۱۳۸۶)؛ کریستین وازیل<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)؛ اسپالک<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) راجرز<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) نیز به تأثیر نوسازی بر هویت اذعان می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی امروز جامعه ما که علائم آن را می‌توان در کلیه روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی در سطح بین‌الملل به‌وضوح مشاهده کرد، مسئله بحران هویت است. هم‌چنین باید اذعان کرد هرچند نوسازی منبعی برای انتقال اطلاعات و ایده‌های جدید است و زمینه را برای رشد هر چه بیش‌تر منابع انسانی فراهم کرده است، اما از سویی دیگر تهدیدی جدی برای هویت فرهنگی و شخصی است. در جمع‌بندی تحقیقات گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که سردرگمی نقش و عدم برخورداری از هویت مشخص، نه‌تنها زمینه‌ساز بروز بسیاری از اختلالات روانی از جمله اضطراب و افسردگی است، بلکه می‌تواند پیامدهای اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد. اولین پیامد اجتماعی که می‌توان برای عدم برخورداری از هویت برشمرد، در حقیقت ناشی از اتلاف انرژی شخصی فرد است. زمانی که فردی از هویت مناسبی برخوردار نیست و دائماً در حوزه‌های مختلف خودآزمایی می‌کند نه‌تنها خودش چیزی به دست نمی‌آورد بلکه سرمایه ملی و اجتماعی، از جمله خودش را هدر می‌دهد. اما اگر همین فرد بداند چه می‌خواهد و راه

---

1- Vasile, C

2- Schalk, S

3- Rogers, L. R

و خواسته خود را تشخیص داده باشد به دنبال موقعیت‌هایی می‌گردد تا بتواند به هویت خود تحقق بخشد و در نتیجه علاوه بر موفقیت شخصی زمینه‌ساز اصلاحات اجتماعی شود.

در واقع تغییرات گسترده ناشی از نوسازی روش‌هایی که اشخاص هویت شخصی خود را بنا می‌کردند و آن را گسترش می‌دانند تحت تأثیر قرار داده است. درحالی‌که در جوامع سنتی فرد با انتخاب‌های کمی مواجه بود و بر اساس رسم و رسومات و قوانین جامعه رفتار می‌کرد، در جوامع مدرن شرایط زندگی تغییر کرد و حق انتخاب افراد در این رابطه که با زندگی خود چه کنند افزایش یافت، اما درعین حال ثبات کاهش پیدا کرد و سیستم حمایتی اهمیت خود را از دست داد. در جوامع مدرن فردگرایی غلبه دارد و رشد هویت شخصی هسته‌ی اصلی همه‌چیز است. هرمانسداتیر (۲۰۱۱) در پژوهش خود تحت عنوان «هویت شخصی در دوران مدرن» معتقد است درحالی‌که در دنیای حاضر افراد به دلیل دشوار بودن انتخاب از بین گزینه‌های موجود مضطرب می‌گردند و از این هراس دارند که بهترین تصمیم را نگرفته باشند، در دنیای سنتی افراد به دلیل نبود موقعیت‌های انتخاب و ترس از کار اشتباه مضطرب می‌شدند.

به‌طور کلی در جوامع سنتی پیشامدرن این ویژگی‌های انتسابی بود که عامل اصلی هویت‌بخش و هویت‌ساز به حساب می‌آمد. مؤلفه‌هایی چون نژاد، قومیت، مذهب، دودمان و غیره مواردی به حساب می‌آمدند که کلیت زندگی را برای فرد معنا می‌بخشیدند و درکی از جایگاهش در جهان به او عطا می‌کردند. جهان مدرن هرچند نتوانست به‌طور کلی نقش این مؤلفه‌ها را از بین ببرد اما از حاکمیت و نفوذ بی‌چون‌وچرای آن‌ها کاست (هدایتی، ۱۳۹۲). به عنوان نمونه پژوهش بنجامین گیونز<sup>۱</sup> و چارلز هیرسچمان<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۴ تحت عنوان «نوسازی و ازدواج خونی در ایران» نشان می‌دهد، نیروهای ناشی از نوسازی می‌توانند پایه و بنیاد ازدواج‌های خونی (خویشاوندی) را فرسوده کرده و از بین ببرند. به عبارت دیگر در این دوره خود فرد است که باید آزادانه و بدون راهنمایی‌ها و محدودیت‌های موجود گذشته دست به انتخاب بزند و هر آنچه را که می‌خواهد از هستی خود بسازد. دیگر خوب و بد، درست و نادرست و باید و نباید از پیش تعیین شده‌ای موجود نیست. چنان‌چه استراوس<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) بیان می‌کند بحران نوسازی خودش را در این حقیقت نشان می‌دهد که، شخص مدرن غربی دیگر نمی‌داند چه می‌خواهد، اینکه او دیگر اعتقاد ندارد چه چیزی خوب و چه چیزی بد، چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. در این شرایط زمانی که افراد نتوانند به

---

1- Benjamin, G

2- Charles, H

3- Strauss, L

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

نسخه ثابتی از خواست‌ها و تمایلات، اهداف و آرزوها و درست‌ها و نادرست‌ها دست پیدا کنند و بر اساس آن مسیر خود را انتخاب نمایند، نقشه راهی برای خود تعیین کنند و جایگاه خود را در این جهان شناسایی نمایند گرفتار سردرگمی نقش خواهند شد و احساس اضطراب، نایمنی و افسردگی به آن‌ها دست خواهد داد (ناز و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین ممکن است به سمت اعتیاد، بزهکاری و دیگر نابهنجاری‌های رفتاری کشیده شوند (میرساردوو همکاران، ۱۳۸۷) تا شاید بتوانند با احساس وجود خویش در این حیطه‌ها، از رنج بی‌هویتی بکاهند. با توجه به اهمیت موضوع و از آنجایی که بر اساس آمار، جوانان ۲۴ میلیون و ۷۰۱ هزار و ۱۷۷ نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۴) و این افراد به‌عنوان آینده‌سازان یک کشور محسوب می‌شوند و موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها در دوره‌های بعدی زندگی به هویت‌یابی موفق آن‌ها بستگی دارد، توجه کردن به گذار موفق در این دوره می‌تواند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد.

بنابراین از آنجایی که رسالت رشته‌های یاورانه، کمک به تحقق هر چه بیش‌تر استعدادها و توانایی‌های افراد، و رشد مطلوب آن‌هاست، این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که تحولات ناشی از نوسازی در کشور، چگونه هویت‌یابی را تحت تأثیر قرار داده و موجبات سردرگمی نقش را فراهم کرده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تعیین تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال بوده است.

### روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای<sup>۱</sup> یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا بر تئوری‌های موجود، خود به تدوین تئوری اقدام کند. تکنیک عمده برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر اراک بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد. نمونه‌های پژوهش با تنوع سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی برای رسیدن به داده‌های غنی انتخاب شدند. حجم نمونه مورد مطالعه در پژوهش‌های کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست. در روش کیفی نمونه‌گیری تا زمانی که داده‌ها به حد اشباع نرسیده‌اند و محقق همچنان اطلاعات جدیدی را به دست می‌آورد ادامه دارد. در پژوهش حاضر یافته‌ها با نمونه‌گیری ۲۱ جوان به حد اشباع رسید و یک نوع یکسانی و تکرار در روند پاسخ‌ها مشاهده شد.

---

1- Grounded Theory

فرآیند کار بدین ترتیب بود که، با رعایت اصول اخلاقی پژوهش و کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها به‌طور دقیق ضبط می‌شد و سپس نکته به نکته روی کاغذ پیاده می‌گردید. اولین مصاحبه، با سؤال اولیه پژوهشگر در زمینه تفاوت زندگی جوانان در گذشته و حال آغاز شده و با توجه به پاسخی که دریافت می‌شد، سؤالات بعدی در ذهن پژوهشگر شکل می‌گرفت. بدین ترتیب مصاحبه‌شونده از آزادی نسبی برای بیان پاسخ‌هایش برخوردار بود. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که مقوله‌های شکل گرفته به درجه اشباع رسید. اشباع مقوله‌ها زمانی ممکن می‌شد که داده جدیدی در رابطه با آن مقوله به دست نمی‌آمد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد در تحلیل داده‌ها از دو روش استفاده شد:

۱- کنترل و اعتباریابی توسط گروه نمونه: در این روش مصاحبه‌های ضبط و ثبت شده برای اطمینان بیش‌تر به مصاحبه‌شونده‌ها بازگشت داده می‌شد تا از صحت اطلاعات ارائه شده، پژوهشگر را مطلع سازند.

۲- ارزیابی توسط داوران: در این روش، دو نفر از متخصصان به‌عنوان داور، بخشی از مصاحبه‌ها را مورد تحلیل قرار داده و تحلیل‌های آن‌ها با تحلیل‌های پژوهشگر، مقایسه شده و در نهایت توافق کلی حاصل گردید.

در پژوهش حاضر ابتدا متن مصاحبه پیاده‌سازی شدند، سپس مفاهیم و مضامین موجود در آن‌ها کدگذاری و استخراج شدند. کدگذاری براساس متن مصاحبه‌ها به دو روش انجام گرفت. در سطح کدگذاری باز، محقق خط به خط پاسخ‌ها را بازنگری و مفاهیم اصلی را استخراج نمود. سپس با کدگذاری محوری (طبقه بندی مفاهیم مشابه) کدهای اولیه به طبقاتی تقلیل یافت و در انتها کدگذاری‌های محوری به دو دسته کدگذاری انتخابی تقسیم شده است.

بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

یافته‌ها

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل
۱	مرد	۲۶	کارشناسی ارشد	شاغل (آموزگار)	مجرد
۲	مرد	۲۹	کارشناسی	شاغل (کارمند بانک)	متاهل
۳	مرد	۲۶	کارشناسی	بیکار	مجرد
۴	مرد	۲۶	کارشناسی ارشد	شاغل (کارمند بانک)	مجرد
۵	مرد	۲۲	سیکل	شاغل (کشاورز)	مجرد
۶	مرد	۲۵	دیپلم	شاغل (تواشکار)	مجرد
۷	مرد	۲۵	کارشناسی	شاغل (کارمند مخابرات)	مجرد
۸	مرد	۲۳	کارشناسی	بیکار	مجرد
۹	مرد	۲۸	کارشناس ارشد	شاغل (مسئول مالی زندان)	متاهل
۱۰	مرد	۳۰	دیپلم	شاغل (حراست شرکت گاز)	متاهل
۱۱	زن	۲۷	کارشناسی	شاغل (دانشجو)	متاهل
۱۲	زن	۲۹	کارشناسی	بیکار	مجرد
۱۳	زن	۲۴	کارشناسی	شاغل (دانشجو)	مجرد
۱۴	زن	۲۹	کارشناسی ارشد	بیکار	متاهل
۱۵	زن	۲۱	دیپلم	شاغل (دانشجو)	مجرد
۱۶	زن	۲۹	سیکل	شاغل (فروشنده)	مجرد
۱۷	زن	۲۹	سیکل	خانه دار	متاهل
۱۸	زن	۲۸	فوق دیپلم	شاغل (کارمند)	متاهل
۱۹	زن	۳۰	کارشناسی ارشد	بیکار	مجرد
۲۰	زن	۲۸	کارشناسی	شاغل (کارمند)	متاهل
۲۱	زن	۲۵	کارشناسی	بیکار	مجرد

جدول فوق نشان می‌دهد که تعداد مصاحبه‌شوندگان ۲۱، متشکل از ۱۰ مرد و ۱۱ زن است. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۶ سال است. ۵ نفر با تحصیلات کارشناسی ارشد، ۹ نفر با تحصیلات کارشناسی، ۱ نفر فوق دیپلم، ۳ نفر دیپلم و ۳ نفر با مدرک سیکل در این پژوهش شرکت داشته‌اند. از میان آنها ۱۵ نفر شاغل و ۶ نفر بیکار هستند. همچنین ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان متاهل بوده‌اند در حالی که ۱۳ نفر دیگر مجردند. در ادامه نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های پژوهش در قالب جدولی که حاوی قسمتی از مصاحبه و کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی است، ارائه می‌شود.

## مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصتم، بهار ۱۳۹۸

**جدول (۲): کدهای حاصل از مصاحبه‌ها و مراحل تحلیل آن**

	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	محتوا و عبارات مهم		
تفسیر ساختار روابط فردی و بین فردی	تفسیر ماهیت روابط	کیم تر شدن صمیمیت	قدیمی‌ها کلاً صمیمی تر بودن	قبلاً رابطه‌ها گرم تر بوده ولی الان فقط در حد سلام و تعارف سرده		
		جدا افتادگی اعضای خانواده	الآن گوشه خونه کنار مودم و لپ تاپیم	الآن همه سرشون تو تلگرامه		
		کاهش جمع‌گرایی دوری	تو خانواده‌های قدیم همه دور هم بودن و دور یک کرسی جمع می‌شدن	به نظرم فضای مجازی باعث دوری خانواده‌ها از هم شده		
		غیرواقعی بودن روابط عدم دریافت باز خورد	الآن انکار همه چی ی جوری کاذب شده. ی احساسی داری، شیر می‌کنی و منتظر میمونی لایک بخوره	در دنیای مجازی نمی‌تونی واکنش دیگران را ببینی و آنها را تحلیل کنی		
	گسترش نقش‌ها و انتظارات	از بین رفتن قدرت عمل و عکس‌العمل واقعی در روابط	قدیم در دنیا عمل و عکس‌العمل وجود داشت، ولی الان همه چیز مجازی شده	شبکه‌های اجتماعی و تکنولوژی باعث شدن همه هر لحظه بهت دسترسی داشته باشن		
		دسترسی همیشگی و از بین رفتن حریم شخصی	کسانی که از من بزرگ‌ترند درک نمیکنن این را (چک کردن ایمیل و بودن در فضای مجازی)	الآن یک نفر باید چندین کار مختلف را باهم انجام بده اما قبلاً ی کار خاص را انجام می‌داد		
	فردگرایی	تفاوت در فعالیت‌ها	قبلاً شاید یک هدف بود و اونم از بقیه تقلید می‌کردیم	جوان‌ها دارن به سمتی میرن که شجاعتی پیدا کنن که بی علاقتشون را بگیرن		
		اهمیت دادن به علایق	قبلاً مردم به‌راحتی حرف‌های پدر و مادر و شیخ را قبول می‌کردن اما الان می‌خوان همه چیز را بگذارن	کنار و خودشان تصمیم بگیرند		
	گسترده‌ی دامنه‌ی انتخاب	افزایش حق انتخاب	از بین رفتن محدودیت‌ها	الآن اصلاً محدودیتی وجود نداره که من نتونم کاری بکنم	الآن بچه‌ها از بزرگ‌ترها حرف‌شونوی ندارن	
			تاکید بر انتخاب شخصی	پدربزرگ مادرم را مجبور به قالیبافی می‌کرده	در گذشته هدف‌های زیادی نمی‌توانستیم انتخاب کنیم	
توسعه گزینش‌های انتخابی		گسترده‌ی دامنه انتخاب	زمان‌های گذشته گزینش‌های متفاوتی وجود نداشته	قدیم تلویزیون و ماهواره و گوشی نبود		
		افزایش آگاهی	آشنایی با عقاید و سبک‌های زندگی مختلف	الآن میشه به نظر هر نویسنده‌ای را تو ی وبلاگ بخونی		
انبات گزینی		تفکر عمیق	ارقا سطح تفکر	فکرها خیلی بهتر شده		
		تفسیر تکرش نسبت به آموزش	تفکر علت و معلولی	هرچقدر فناوری به زندگی بشر اضافه تر میشه، من احساس می‌کنم مردم دیدگاهشون باز تر میشه و روشن‌فکر تر میشن		
پاینده‌های نوسازی (پاینده‌های زندگی صنعتی)		دوری از مبنایات	اعتقاد به آخرت	اون موقع میگفتن ی فرزند صالحی، چیزی از خودمون به یادگار بگذاریم	اون موقع حتماً حتماً باور قلبی داشتن که خدایی هست	
			عدم ایمان به خدا	دور شدن از مسائل روحانی	الآن خیلی از مسائل روحانی فاصله گرفته شدن	
		عوامل اقتصادی	افزایش هزینه‌های زندگی	افزایش بیکاری	قبلاً هدف الهی تر بود، ماورایی تر بود	خرج‌های زندگی الان خیلی بیشتر شده
			افزایش رفاه	تغییرات سریع	الآن خیلی از جوونها با سن بالا بیکارن	قبلاً فشارهای خانوادگی باعث می‌شد که فرد تو سنین پایین شغلش را انتخاب کنه
دوری از طبیعت	تغییرات سریع و راهشده اجتماعی	تغییر ارزش‌ها	اون موقع سستی تر بوده و تغییرات خیلی کمتر بوده	اون موقع مرز خوب و بد مشخص بوده		
		از بین رفتن مرز خوب و بد	تغییر ارزش‌ها	اون زمان این برای فرد ارزش بوده که بره در راه وطنش شهید بشه		
	دوری از طبیعت	از بین رفتن فضای سبز و طبیعت	از بین رفتن فضای سبز و طبیعت	قبلاً طرف وقتی وارد محیط می‌شد اقتدر فضای سبز می‌دید، اقتدر طبیعت و زیبایی می‌دید که آرامش خاصی داشت	اون وقت حتماً حتماً باور قلبی داشتن که خدایی هست	
		دوری از طبیعت	صنعتی شدن شهرها	قبلاً مردم درگیر طبیعت بودن ولی الان درگیر صنعت شدن	هرچی که زندگی صنعتی تر میشه اولویت‌های زندگی هم مادی تر میشه	

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد، سه شاخص اصلی و ۱۲ مقوله عمده از مصاحبه‌ها استخراج شده است. در ادامه و در قسمت بحث و نتیجه‌گیری به توضیح و تبیین یافته‌های حاصل از این پژوهش پرداخته خواهد شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، نتایج حاصل از این پژوهش تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان را در ۳ طبقه کلی و ۱۱ مقوله عمده جای دادند. در ادامه به شرح هر یک از این طبقه‌ها و مقولاتی عمده آنها می‌پردازیم.

تغییر در ساختار روابط؛ شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عواملی که در دنیای مدرن زمینه‌ساز بروز سردرگمی نقش شده است، تغییر در ساختار روابط است. در دنیای امروز به واسطه‌ی تغییر در ارزش‌های افراد و پیشرفت در تکنولوژی و صنعت، روابط نسبت به دوره‌ی گذشته کاهش بسیاری پیدا کرده است و مردم تمایل کمتری به دور هم بودن و گذراندن وقت با یکدیگر دارند. بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش در دنیای فعلی به واسطه‌ی وسایل ارتباطی و رسانه‌ها، اعضای خانواده وقت کمتری را در کنار یکدیگر سپری می‌کنند و همین موضوع باعث کاهش صمیمیت میان اعضای یک خانواده و دیگر افراد مرتبط با یکدیگر شده است. این دورافتادگی افراد از یکدیگر و اکتفا کردن به روابط دنیای مجازی که در حقیقت نوعی رابطه‌ی غیرواقعی هستند، پیامد دیگری با خود به همراه دارد که آن عدم توانایی فرد در دریافت بازخورد و در واقع از بین رفتن قدرت عمل و عکس‌العمل واقعی است. درحالی‌که داشتن روابط و تعاملات اجتماعی به خودی خود هویت‌ساز است و به فرد در این فرآیند کمک می‌کند. سالیوان<sup>۱</sup> (۱۹۵۳) بیان می‌کند که هویت افراد از طریق روابط بین فردی که ارزش شخصی فرد را تأیید می‌کنند، شناخته می‌شود (مورگان<sup>۲</sup>، و کوروبو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). نظریه کنترل هویت نیز رویکردی مفید برای درک چگونگی تأثیر روابط متقابل بر فرآیند رشد و توسعه هویت ارائه می‌دهد. این نظریه شرح می‌دهد که هویت از طریق تعامل‌های روزانه فرد با دیگران ساخته می‌شود. جایی که نوجوانان و جوانان اطلاعات مربوط به هویت را از اطرافیان در قالب بازخورد اجتماعی دریافت می‌کنند. سپس این بازخورد

---

1- Sullivan, H. S

2- Morgan, E. .

3- Korobov, N

توسط فرد برای ایجاد خود- ادراکی که دیگران از او و رفتارش دارند مورد تفسیر قرار می‌گیرد. سپس این ادراکات میان‌فردی با تعریف فعلی شخص از خودش و عقاید هویتی‌اش قیاس می‌شود. اگر بازخوردهای میان فردی با عقاید هویتی که فرد از خود دارد همخوان باشد، هویت فرد تأیید و تقویت می‌شود. از طرف دیگر، بازخوردهای ناهمخوان توانایی این را دارند که در اعتقادات هویتی فرد اختلال ایجاد کنند که به‌نوبه‌ی خود می‌تواند منجر به نمایش رفتارهایی شود که باعث می‌شوند تعریف شخص از خودش و بازخورد اجتماعی در یک راستا قرار گیرند. در نتیجه فرد ممکن است با تغییر رفتارها و یا موقعیت جدیدی که منجر به دریافت بازخورد جدید باشد در جهت تأیید مجدد هویت اصلی خود برآید و یا برعکس، ممکن است عقاید مربوط به هویت خود را با بازخوردهای اجتماعی که دریافت کرده است تطبیق دهد. این حفظ و یا تغییر هویت می‌تواند در جهت رشد سالم و یا ناسالم حرکت کند (مورگان، و کوروپو، ۲۰۱۲).

از طرف دیگر تأکیدی که مدرنیته بر موفقیت شخصی دارد و هر فرد را تنها مسئول زندگی خود می‌داند بر این دورافتادگی و فردگرایی دامن زده، و آن را تقویت کرده است. در واقع در تفکر مدرن تنها خود شخص است که باید برای زندگی خود تصمیم بگیرد و تنها موضوعی را نیز که باید در این تصمیم لحاظ کند علاقه، آسایش و موفقیت خودش است و نه چیزی بیشتر. این تأکید نیز در شرایطی رخ می‌دهد که حمایت اجتماعی ادراک شده روابط نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در ساخت هویت ایفا می‌کنند. حمایت اجتماعی ادراک شده را می‌توان به‌عنوان حمایت اجتماعی و روانی که توسط محیط برای فرد فراهم می‌شود توصیف کرد. و یا می‌توان آن را تجربه حمایت اجتماعی و یا ادراک مورد اهمیت بودن، ارزش داشتن، با دیگران در یک گروه قرار گرفتن و یا توسط آنها هدایت شدن؛ به‌ویژه توسط خانواده، همسالان و دوستان تعریف نمود (دوی، یوتسانا، ۲۰۱۶). به این نتیجه رسیده‌اند که گاهی این روابط به‌عنوان منبعی برای ترغیب فرد در جهت سازگاری دلخواه نقش‌آفرینی می‌کنند. به‌طور اساسی دو نوع حمایت اجتماعی بیشترین اثرگذاری را بر فرد دارند: خانواده و دوستان (دوی، و یوتسانا، ۲۰۱۶). خانواده تحریک‌کننده و حمایت‌کننده رشد و توسعه دیدگاهی مجزا و منحصر به فرد است؛ و همسالان نیز به‌عنوان مدل و الگو برای شخص، و فرصت‌هایی برای کشف عقاید و ارزش‌های گوناگون هستند (بوسما<sup>۳</sup> و کونن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱).

---

1- Devi, S

2- Yotsana, J

3- Bosma, H. A

4- Kunnen, E. S

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

ارتباط با اعضای خانواده عمومی‌ترین و عادی‌ترین ارتباطی است که هر شخص در زندگی خود آن را تجربه می‌کند و این رابطه نقش مهم و غیرقابل‌انکاری در مراحل اولیه رشد هویت دارد. همچنین این موضوع که خانواده پایه و اساس عقاید و ارزش‌های فرد را شکل می‌دهد نیز واضح و مبرهن است. نوجوانان در معرض سیستم اعتقادی والدین و دیگر اعضای خانواده قرار می‌گیرند. سپس آنها از آن عقاید و ارزش‌ها به‌عنوان نقطه آغازینی برای کشف ارزش‌های خود استفاده می‌کنند. در ارتباط با اشخاص بسته (کسانی که فعالانه به دنبال جایگزین‌ها نمی‌روند) شاید خانواده تنها منبع و مرجع برای شکل‌گیری هویتشان باشد (پارا، ۲۰۰۸). کیفیت ارتباط فرد و خانواده نیز بر شکل‌گیری هویت اثرگذار است (دوی، و یوتسانا، ۲۰۱۶) رابطه با کیفیت بالا ( آنهايي که با عشق، پذیرش، حمایت و تشویق توصیف می‌شوند) با افزایش سطح کیفیت و شایستگی مرتبط است (کنی و همکاران ۲۰۰۲). افراد با کیفیت، آمادگی بیشتری برای کشف گزینه‌های موجود و متعهد شدن همسو عقاید و ارزش‌هایشان دارند (پارا، ۲۰۰۸). اگرچه در بسیاری از موارد خانواده به‌تنهایی می‌تواند حمایت کافی را برای فرد فراهم نماید، اما ارتباطات خانوادگی همیشه نمی‌تواند نتایج مطلوب موردنظر را تولید نماید. زمانی که این ارتباطات منبع حمایتی ضعیفی باشند، ممکن است توانایی فرد برای کنار آمدن با چالش‌های زندگی را کاهش (دابویس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). در این موارد ارتباط با دوستان و همسالان به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان منبع حمایت مهم تلقی می‌شوند (پارا، ۲۰۰۸). همان‌طور که خانواده می‌تواند دست‌یابی به هویت را از طریق حمایت تحت تأثیر قرار دهد، گروه همسالان و دوستان نیز می‌توانند با کمک به فرد در جهت غلبه بر بحران‌ها بر هویت او اثر بگذارند (بوسما و کونن، ۲۰۰۱). به‌عنوان نمونه دوستان می‌توانند از طریق رشد توانایی کار و همکاری با دیگران یادگیری پیشه و مهارت را در یکدیگر پرورش دهند. همچنین با دیگران بودن موجب می‌شود تا شبکه دوستی فرد گسترش یابد. داشتن شبکه دوستی گسترده به معنای فراهم آمدن فرصت‌های بیشتر برای جست‌وجوی عقاید جایگزین به‌جای عقاید و ارزش‌های فعلی است. برنت (۲۰۰۴) بیان می‌کند افرادی که روابط مثبتی با دوستان خود ندارند ممکن است تعارض‌های زیادی را تجربه کند. اریسکون هویت را احساس فرد نسبت به خودش، به عنوان یک شخص و به عنوان عضوی از جامعه تعریف می‌کند (هور<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). این تعریف نیز نشان‌دهنده اهمیتی است که دیگران در ساخت هویت دارند. بنابراین زمانی که ساختار رابطه به دلیل نوسازی چنین تغییرات اساسی را تجربه می‌کند، سردرگمی نقش و احساس بی‌هویتی پیامدی طبیعی برای آن به نظر می‌آید.

علاوه بر موارد ذکر شده، یکی دیگر از موضوعات مرتبط با رابطه که زمینه‌ساز بروز سردرگمی شده است، گسترش نقش‌ها و انتظارات در دنیای مدرن است. در دنیای ساده و محدود سنتی، افراد جایگاه مشخص و

---

1- DuBois, D. L

2- Hoare, C. H

محدودی داشتند و وظایف و حقوق آنها کاملاً مشخص بود. در دنیای سنتی فرد با تعداد معدودی از افراد سروکار داشت و شاید هیچ خبری از نقش‌هایی که امروزه با آن روبه‌رو است نبود. اما در دنیای فعلی به واسطه وسایل ارتباطی مدرن و پیچیدگی زندگی‌ها و گسترش مؤسسات مختلف، فرد این فرصت را داشته که عضو جوامع مختلفی باشد و همزمان نقش‌های متعددی را ایفا نماید. به عنوان مثال در دنیای حاضر فرد علاوه بر نقش خانوادگی و دوستی، عضوی از یک مدرسه یا دانشگاه، کارمند یک موسسه یا شرکت، شهروند یک کشور، عضوی از یک دین، عضوی از یک کلوپ یا باشگاه و غیره است و همزمان در بسیاری از گروه‌های مجازی عضویت دارد و با افراد زیادی در دنیای مجازی نیز در رابطه است. طبیعتاً هر نقشی انتظاراتی را نیز با خود به همراه دارد و فردی که چندین نقش مختلف دارد در صورتی که توانایی برآورده کردن انتظارات را نداشته باشد و یا بعضاً انتظارات در مقابل یکدیگر قرار بگیرند، احساس سردرگمی خواهد نمود. این یافته هم جهت با یافته‌های ناز و همکاران (۲۰۱۱) است که در پژوهشی به بررسی جهانی‌شدن و تأثیر آن بر هویت روانی و فرهنگی اجتماعی، پرداخته‌اند. آن‌ها گزارش کردند که جهانی‌شدن موجب بحران‌های متعدد فرهنگی، مذهبی و روانی شده است که یکی از آن‌ها کاسته شدن اتحاد و انسجام و پیچیده شدن روابط است. گستردگی دامنه انتخاب: با گسترش پدیده‌ی نوسازی و جاری و ساری شدن آن در زندگی بشر، تحولات عظیمی در «انتخاب» افراد پدیدار شد. درحالی‌که در جوامع سنتی گذشته، فرد امکان دسترسی به آنچه فراتر از جامعه‌ی محدود خود بود را نداشت، و یا امکان آن بسیار محدود بود، در جامعه مدرن با گسترش وسایل ارتباطی و تکنولوژی، جهان تبدیل به دهکده‌ی بزرگی شده است که فرد می‌تواند هر آنچه، در هر جایی از دنیا اتفاق می‌افتد را مشاهده کند. در حقیقت امروزه تکنولوژی و پیشرفت سرسام‌آور آن این امکان را برای فرد فراهم کرده تا دنیا را در قاب یک صفحه نمایش چند اینچی، مقابل دیدگان خود داشته باشد. این امکانات افراد محدود و بی‌خبر از دنیای گذشته را با تنوع گسترده‌ای از سبک‌های مختلف زندگی و جهان‌بینی‌های جدید آشنا می‌سازد و در نتیجه شناخت و تصمیم‌گیری برای انتخاب را دشوارتر می‌نماید. (اسچالک، ۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «خود، دیگری و خود- دیگری: فرا رفتن از دوگانگی خود/ دیگری در عصر آگاهی معاصر» درباره‌ی اثرات رسانه‌های جمعی بر روی آگاهی، هویت و ارتباط خود/ دیگری معاصر بحث می‌کند. این پژوهش بیان می‌کند به جای جدا بودن خود از دیگری در جهان معاصر، امکانات برقراری ارتباط از طریق خلق واژه سوم «خود- دیگری» فراهم شود. این امر اجازه سیالیت و ادراک افراد را که با دیگران ارتباط دارند فراهم می‌کند.

از طرف دیگر با خروج از عصر کشاورزی و ورود به دنیای صنعتی، انفجاری در انتخاب‌های پیش رو افراد قرار رخ داده است. برای مثال در زمینه انتخاب شغل انتخاب‌های بسیار متنوعی به وجود آمده که سابقه بسیاری از آن‌ها کمتر از چند دهه است. درحالی‌که در گذشته‌های نه چندان دور فرد تنها چند گزینه محدود

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

برای انتخاب داشت، و باید بین کشاورزی، دامپروری و چند شغل دیگر دست به انتخاب می‌زد، امروزه تنها تهیه لیستی از مشاغل موجود زمان زیادی را به خود اختصاص خواهد داد. در چنین شرایطی جوان امروزی، شرایط بسیار متفاوتی را برای انتخاب نسبت به جوانان گذشته تجربه خواهد کرد و با تنوع وسیعی از گزینه های انتخابی روبه‌رو خواهد بود. در مورد تنوع گسترده انتخاب‌ها باید بیان کرد که طبیعتاً زمانی که فرد می‌خواهد بین ۱۰ گزینه دست به انتخاب بزند، نسبت به زمانی که می‌خواهد بین دو گزینه انتخاب نماید، کاری بس دشوارتر خواهد داشت. به نظر می‌رسد زمانی که گزینه‌های پیش روی فرد برای انتخاب از تعداد معینی افزایش پیدا می‌کند، فرد دچار نوعی ناامیدی و یأس می‌شود و احساس می‌کند توان انتخاب کردن را از دست داده است. این موضوع در راستای «فرضیه گسترده‌تری بیش از حد انتخاب‌ها»<sup>۱</sup> است که بیان می‌دارد، افزایش تعداد گزینه‌های انتخابی، می‌تواند پیامدهای گوناگونی مانند کاهش انگیزه برای انتخاب و عدم رضایت از گزینه منتخب را به همراه داشته باشد. (اسچیپهن<sup>۲</sup>، گریفندر<sup>۳</sup> و تاد<sup>۴</sup> ۲۰۱۰) در مطالعه مروری که در این زمینه انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که ارائه گزینه‌های وسیع برای انتخاب، منجر به کاهش انگیزه برای انتخاب، کاهش تعهد نسبت به گزینه منتخب، و یا حتی انتخاب نکردن، کاهش رضایت از گزینه انتخاب شده و افزایش احساسات منفی که شامل ناامیدی و افسوس است می‌شود. میسوراکا<sup>۴</sup>، توسچر<sup>۵</sup> و فاراکی<sup>۶</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی به دنبال بررسی میزان این تأثیرات منفی در افراد با سنین مختلف بوده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که تأثیر گزینه‌های بیش از اندازه در بین تمام گروه‌ها یکسان نیست و جوانان و بزرگسالان در مقایسه با کودکان و سالمندان بیشتر از این پدیده تأثیر می‌پذیرند.

فاسلو (۲۰۰۹) بیان می‌کند که وجود چندین گزینه در یک طبقه برای انتخاب به دلیل کاهش تفاوت‌های گزینه‌های جذاب و افزایش میزان اطلاعات در مورد آنها انتخاب را دشوارتر می‌کند. اسچیپهن، گریفندر و تاد نیز علاوه بر این دلایل دیگری گزارش کرده‌اند که یک مورد از آنها انجام مقایسه طاق‌فرسا بین گزینه‌های مختلف است. آن‌ها معتقدند از دید زمانی و تلاش مورد نیاز برای این کار، این فرآیند برای فرد غیر مطلوب جلوه می‌نماید و این مسئله وی را متقاعد می‌کند که توانایی انتخاب بهینه را ندارد. علاوه بر اینها جذابیت گزینه‌ی دوم و گزینه‌های انتخاب نشده دیگر در گستره‌ی وسیع بیشتر خواهد بود که ممکن است منجر به تفکر خلاف و پشیمانی از چیزهایی که انتخاب نشده است گردد. دامنه‌ی وسیع انتخاب‌ها هم‌چنین می‌تواند

---

1- choice overload hypothesis

2- Scheibehenne, B

3- Greifender, R

4- Misuraca, R

5- Teuscher, U

6- Faraci, P

انتظارات فرد را نیز بالا ببرد. در مجموع همه‌ی این موارد در کنار یکدیگر سبب شده‌اند که فرد در دنیای مدرن که با تنوع وسیعی از انتخاب‌ها روبه‌رو است احساس سردرگمی کند و دست به انتخاب نزند، یا از آن هراس داشته باشد و یا اگر انتخاب کرده است، از انتخاب خود رضایت نداشته باشد و بعضاً از آن دست کشیده باشد. اما شاید مهم‌ترین دستاورد نوسازی در زمینه انتخاب، افزایش حق انتخاب و یا آزادی فرد برای انتخاب کردن باشد. درحالی‌که در دنیای سنتی بسیاری از انتخاب‌های هویت‌ساز از قبل برای فرد صورت گرفته بود، و انسان مجبور به حرکت در چهارچوب‌های از پیش تعیین شده بود، در دنیای سنتی با واگذاری همه‌ی اختیارات به خود فرد، این خود خود شخص است که باید دست به انتخاب بزند و دیگر خانواده، جامعه، فرهنگ، طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی، جنسیت و بسیاری از عوامل بیرونی دیگر در این فرآیند نقشی نخواهند داشت. بنابراین با ایجاد چنین شرایطی در دنیای مدرن فرد دامنه‌ی وسیعی از انتخاب‌ها روبه‌رو است. هر چند این موضوع در نگاه اول بسیار خوشایند و دلپذیر می‌نماید، زمانی که مورد واکاوی بیش‌تری قرار می‌گیرد مشخص می‌گردد که سختی‌هایی را نیز با خود به همراه دارد. در گذشته و در دنیای محدود، زمانی که خانواده، فرهنگ و چهارچوب‌های اجتماعی برای فرد تصمیم می‌گرفتند که با زندگی خود چه کند، و هرگونه حق انتخابی را از او گرفته و یا در دامنه‌ی محدودی اجازه انتخاب به او می‌دادند، هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه فرد نبود و این دیگران بودند که در صورت عدم رضایت فرد مورد سرزنش قرار بگیرند. اما در دنیای حاضر زمانی که حق انتخاب به خود فرد واگذار شد، همزمان واژه‌ی سنگین مسئولیت نیز به فرد تحویل داده شد. در دنیای حاضر هر آنچه که فرد از خود بسازد، تنها و تنها مسئولش خودش است و باید خود را سرزنش کند. در دنیای مدرن هر رفتار و تصمیم فرد آینده او را رقم خواهد ساخت و دنیای متفاوتی را برای او خواهد ساخت. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که در چنین دنیایی فرد در پس هر تصمیمش احساس ترس و اضطراب داشته باشد که آیا این بهترین تصمیمی بوده، که می‌توانسته است بگیرد؟

این یافته هم‌جهت با نتایج گزارش شده توسط هرمانسداتیر (۲۰۱۱) است که نشان داد درحالی‌که در دنیای حاضر افراد به دلیل دشوار بودن انتخاب از بین گزینه‌های موجود مضطرب می‌گردند و از این هراس دارند که بهترین تصمیم را نگرفته باشند، در دنیای سنتی افراد به دلیل نبود موقعیت‌های انتخاب و ترس از کار اشتباه مضطرب می‌شدند.

پیامدهای نوسازی (پیامدهای زندگی صنعتی): قدم نهادن در دنیای مدرن و جدایی از دنیای سنتی و کشاورزی، طبیعتاً منجر به تغییرات گسترده‌ای در ساختار تولید، اقتصاد، فرهنگ و غیره شده که هر کدام به صورت‌هایی مستقیم و غیرمستقیم بر مفاهیم و ارزش‌های هویت‌ساز تاخته و زمینه‌ساز سردرگمی نقش شده‌اند. تغییر ساختار اقتصادی یکی از مواردی است که در دنیای مدرن موضوع هویت را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در ساختار اقتصادی ساده گذشته هدف تنها بقا و ادامه زندگی بود (هرمانسداتیر، ۲۰۱۱).

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

درحالی‌که در دنیای مدرن با پیشرفت جوامع و ارتقای سطح زندگی و رفاه، بقا به تنهایی توانایی حرکت دادن افراد برای انجام کاری را ندارد. در این جوامع به علایق فرد و آسایش او اهمیت زیادی داده می‌شود. همین موضوع فرد را با نوعی انتخاب و احساس عدم آرامش در صورت انجام نقشی که در کنار نیازهای مادی، نیازهای روحی و روانی او را ارضا نکند مواجه می‌سازد؛ و زمینه‌ساز احساس سردرگمی در وی می‌گردد. یکی دیگر از این موارد تغییرات سریع و گسترده در دنیای امروزی است. درحالی‌که در دنیای پیشامدرن و سنتی به دلایل متعددی زندگی بسیار ساده و یکنواخت بود، و تغییرات اندکی در جوامع رخ می‌داد، امروزه تغییرات بسیار گسترده و فراگیر است. تا جایی که چانکی (۲۰۰۴) نوسازی را به عنوان فرآیند تغییرات سریع پس از انقلاب علمی تعریف می‌کند. زمانی که تغییرات با سرعت بالایی اتفاق می‌افتند فرد اجازه و فرصت تطابق خود با شرایط و یافتن جایگاه خود در موقعیت خاص را نخواهد داشت و مدام باید با شرایط جدیدی سازگار شود. این مسئله این احساس را در او به وجود خواهد آورد که توانایی کنترل شرایط را ندارد و در نتیجه احساس بی‌هویتی و سردرگمی خواهد نمود. کروگر (۱۹۹۳)، به نقل از سلگی، (۱۳۸۹) معتقد است زمانی که تغییرات تاریخی، سریع هستند، ممکن است «خلأ هویتی» و یک حس ناگهانی «بیگانگی» فراگیر شود. گنجی (۱۳۹۱) نیز بزرگ شدن در شرایط پیچیده و به سرعت در حال تغییر یکی از عوامل بروز سردرگمی نقش می‌داند.

یکی دیگر از پیامدهای ناشی از زندگی در دنیای مدرن در حیطه‌ی دین و فرهنگ خود را به نمایش گذارده است. دوری از دین و معنویت و همه‌گیر شدن رویکرد اثبات‌گرایی قسمت‌قرار می‌گیرند. دین را مجموعه‌ای اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است. در حقیقت دین مجموعه از دستورات و باید و نبایدهایی را به پیروان خود تجویز می‌کند و پاسخ بسیاری از پرسش‌های هویتی را برای افراد فراهم می‌نماید و آنها را از سردرگمی نجات می‌دهد. دین برای سؤال «من چه کسی هستم؟» فرد پاسخی دارد و پرسش او مبنی بر «هدف من از این زندگی چیست؟» را نیز بدون پاسخ نمی‌گذارد. بنابراین پیروان یک دین و مؤمنان یک اندیشه الهی جایگاه خود در دنیا را می‌دانند و با آن احساس ارتباط خواهند کرد و بنابراین احساس هویت خواهند نمود. اوپونگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «هویت و دین» گزارش کرده است که دین یکی از عواملی است که در تشکیل هویت نقش اساسی را ایفا می‌کند و درباره تأثیر دین بر هویت تردیدی وجود ندارد. اما در دوره مدرن، به دلایلی نقش دین و معنویت در زندگی‌ها کمرنگ شده است و دیگر نشانی از اعتقادات دینی و پایبندی به مناسک مذهبی که تا چند دهه پیش بسیار پررنگ بود، مشاهده نمی‌شود. همین دوری از دین و مقدسات سبب شده است تا جوانان امروزی

---

1- Oppong, S. H

برخلاف جوانان دوره‌ی گذشته برترین نقشه راهنمای زندگی را کنار بگذارند و در نتیجه احساس سردرگمی نمایند. این یافته همسو با پژوهش سلطانیان (۱۳۹۳) است که نشان داد، جهانی شدن رابطه معکوسی با هویت معنوی افراد دارد. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند فراگیر شدن رویکرد اثبات‌گرایی و اخیراً نسبی‌گرایی در دوره‌ی مدرن باشد. درحالی‌که در دوران گذشته افراد دستورات دینی و بسیاری از موضوعات و مسائل عقیدتی را بدون چون و چرا می‌پذیرفتند، امروزه برای هر مسئله‌ای به دنبال دلیل و اثبات تجربی آن می‌گردند و در صورتی که امکان اثبات حسی و عینی آن قضیه ممکن نباشد، آن را انکار خواهند کرد. این در حالی است که به نظر می‌رسد برخی از موضوعات فراتر از قدرت درک تجربه و حس انسان باشد. در مجموع دین‌گریزی را نیز باید یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سردرگمی نقش جوانان دانست.

علاوه بر دوری از دین، تغییرات فرهنگی نیز نقش عمده‌ای در این زمینه دارند. اگر فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد بدانیم، باید بپذیریم که این موضوع در دنیای حاضر نسبت به گذشته، تحولات چشمگیری را به خود دیده است. در دنیای گذشته پایبندی به رسم و رسومات فرهنگی بسیار زیاد بود و افراد کمی بودند که از این رسم و رسومات طبیعت نکنند و پا را فراتر از چهارچوب‌های فرهنگی بگذارند؛ اما در دنیای حاضر رسم و رسومات دیگر اهمیت خود را از دست داده‌اند و ارزشی برای افراد جامعه ندارند. به عنوان مثال در فرهنگ گذشته طلاق پدیده‌ای مذموم بود و کمتر کسی را می‌شد یافت که بعد از ازدواج، تن به جدایی دهد. اما امروزه این امر قبح خود را از دست داده و افراد به این مسائل توجه چندانی ندارند. به عبارت دیگر ارزش‌های جامعه دستخوش تغییر و تحول شده است. از طرف دیگر، در دنیای مدرن مرز بین خوب و بد از بین رفته و یا حداقل بسیار کمرنگ شده است. درحالی‌که در گذشته خانواده، رسم و رسومات، دین و منابع قدرت خوب و بد را مشخص کرده بودند امروزه تصمیم در مورد خوب و بد به خود فرد واگذار شده است و همین سبب شده تا فرد راهنماهای اجتماعی گذشته را برای چگونه رفتار کردن از دست بدهد و دچار سردرگمی و سرگردانی شود. این یافته همسو با پژوهش هرمانسداتیر (۲۰۱۱) است که درد دنیای مدرن محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و رسم و رسومات از بین رفته و همه چیز به خود فرد واگذار شده و در نتیجه این فرآیند فرد از انتخاب اشتباه هراس دارد و دچار سردرگمی می‌شود. در نهایت اینکه با گسترش پدیده نوسازی چهره‌ی شهرها دگرگون گشت و ارتباط با طبیعت حتی به عنوان وسیله‌ای برای تفریح و سرگرمی به حداقل رسید. این در حالی است که ما انسان‌ها به عنوان موجود جاندار ریشه در طبیعت داریم و با طبیعت در ارتباط تنگاتنگ هستیم و از دست دادن احساس رابطه با طبیعت باعث از دست دادن ارتباط شخص با خویش است (می، ۱۳۹۳).

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

مجموعه این عوامل در کنار یکدیگر، دست‌به‌دست هم داده‌اند تا تعریف فرد از خودش به میزان زیادی پیچیده‌تر شده و فرد سردرگم گردد و نتیجه‌ی خطرات متعدد فردی و اجتماعی ناشی از آن همواره تهدیدی برای سلامت فرد و جامعه باشد. بدیهی است که با برنامه‌ریزی صحیح اجتماعی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی و غیره، می‌توان ضربه‌های ناشی از سیل نوسازی را کاست و از مسیر هویت‌یابی به سلامت بیرون آمد. لازم به یادآوری است که از آنجایی که پژوهش حاضر کیفی است تمام محدودیت‌های روش پژوهش کیفی از غیرممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر، عدم کنترل اعتبار نتیجه‌گیری محقق و عدم قابلیت تعمیم‌پذیری بر آن وارد است و نتایج باید با احتیاط در نظر گرفته شوند. از طرفی بعضی از مصاحبه‌شوندگان ممکن است شرایط خود را بهتر نشان داده باشند و یا مواردی که از نظر جامعه شاید موردپسند نباشد را بازگو نمی‌کردند و در مقابل ترجیح می‌دادند که موارد مثبت را بیان کنند.

با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش، از آنجایی که هویت مفهومی است که تحت تأثیر متغیرهای کلان قرار دارد، پیشنهاد می‌شود تأثیر سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت بر این مفهوم مورد بررسی قرار بگیرد.

### منابع

- پرهیزگار، آذردهخت؛ محمودنیا، علیرضا؛ محمدی، شهناز. (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد- فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی. سال ۳، شماره ۲ (۱۰)، ۸۲-۹۳.
- خواجه نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ همت، صغری. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱؛ ۶۹-۹۴.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ سلطانی، لایون. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک زندگی با هویت قومی جوانان: مطالعه موردی شهرستان مهاباد. جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲؛ ۲۴-۵۰.
- رضایی قادی، خدیجه. (۱۳۹۱). تأثیر اینترنت بر هویت (مطالعه موردی جوانان شهر تهران). رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
- رفعت جاه، مریم، شکوری، علی. (۱۳۸۷). اینترنت و هویت اجتماعی. مجله اینترنتی مجله جهانی رسانه، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۵.

- سلطانیان، احمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه جهانی شدن با هویت معنوی در میان جوانان شهر اصفهان (مورد مطالعه: جوانان ۳۰-۱۷ سال). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- سلگی، محمد. (۱۳۸۹). سنجش ابعاد و مولفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تاثیر آنها بر انسجام هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به منظور ارائه یک مدل روابط ساختاری. پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی.
- شولتز، دی. و شولتز، سی. (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه‌ی یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۵).
- غلام پور آهنگر، ابراهیم. (۱۳۸۲). تأثیر ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی بر بحران هویت. نامه پژوهش فرهنگی. شماره ۸، ۱۲۶-۹۹.
- کردی، مزده (۱۳۹۴). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه (مانند وایبر، واتس آپ، تانگو، بی تاک و ...) بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، دانشکده هنر و رسانه. رشته مدیریت رسانه گروه آموزشی هنر.
- گنجی، حمزه؛ گنجی، مهدی. (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت. تهران: ساوالان.
- معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد؛ خاکسار، فائزه. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۴؛ ۱۷۶-۱۵۵.
- معیدفر، سعید و عبدالوهاب شهلی‌بر (۱۳۸۶). جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم بهار و تابستان، شماره ۱۵ (پیاپی ۵۷-۵۶): ۲۰۸-۱۸۳.
- می، رولو. (۱۳۹۳). انسان در جستجوی خویشتن. ترجمه‌ی سید مهدی ثریا. تهران: نشر دانژه، چاپ چهارم.
- میرساردو، طاهره؛ کاوسی، اسماعیل؛ ابراهیم زاده؛ رمضان. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر بحران هویت جوانان. پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال دوم، شماره (۱)، ۷۷-۱۰۰.
- هدایتی، محمد. (۱۳۹۲). تأثیرات مدرنیته و جهانی شدن بر هویت. فرهنگ امروز. وبگاه پایگاه تحلیل و اطلاع رسانی علوم انسانی فرهنگ امروز. بازیابی شده از: <http://farhangemrooz.com/news/4185>

## بررسی کیفی تأثیر نوسازی بر سردرگمی نقش جوانان (مورد مطالعه):

- Apryshchenko, V. Y. E. (2013). Migrant's Identity in the Modernized Society: An Example of Southern Russia. *World Applied Sciences Journal* 27 (3): 349-353.
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469- 480.
- Berndt, T.J. (2004). Children's friendship: shift over a half century in perspectives on their development and their effects. *Merrill-Palmer Quarterly*, 50, 206-223.
- Bosma, H.A. & Kunnen, E.S. (2001). Determinants and mechanisms in ego identity development: A review and synthesis. *Developmental Review*, 21, 39-66.
- Copesescu, S. (2011). Aspects of identity construction in the context of globalization. *Bulletin of the Transilvania university of Brasov, Series VII: Social sciences, Law, vol. 4(53), -No.2.*
- Devi, S. & Jotsana, J. (2016). Identity Formation: Role of Social Support and Self Esteem among Indian Adolescents. *The International Journal of Indian Psychology*. Volume: 3. 115-124.
- DuBois, D.L., Burk-Braxton, C. Swenson, L.P. Tevendale, H.D., Lockerd, E.M., & Moran, B.L. (2002). Getting by a little help from self and others: self esteem and social support as resources during early adolescence. *Developmental Psychology*, 36, 822-839.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity, youth, and crisis*. New York: Norton.
- Fasolo, B., Hertwig, R., Huber, M., & Ludwig, M. (2009). Size, entropy, and density: What is the difference that makes the difference between small and large real-world assortments?. *Psychology & Marketing*, 26(3), 254-279.
- Givens, B. P., & Hirschman, C. (1994). Modernization and consanguineous marriage in Iran. *Journal of Marriage and the Family*, 820-834.
- Hermannsdóttir, M. B. (2011). *Self-Identity in Modernity*. Unpublished Dissertation, University of Akureyri.
- Hoare, C. H. (2002). *Erikson on development in adulthood: New insights from the unpublished papers*. New York: Oxford University Press.
- Kenny, M.E., Gallagher, L.A., Alvarez-Salvat, R. & Silsby, J. (2002). Sources of support and psychological distress among academically successful inner city youth. *Adolescence*, 37, 161-182.
- Krahn, G. & Putnam, M. (2003). Qualitative research methodologies. In M. Roberts and S. Ilardi (Eds.), *Methods of research in clinical psychology: A handbook* (PP. 176-195). New York: Blackwell Publishers.
- Luyckx, K., Klimstra, T. A., Duriez, B., Van Petegem, S., & Beyers, W. (2013). Personal identity processes from adolescence through the late 20s: Age trends, functionality, and depressive symptoms. *Social Development*, 22(4), 701-721.
- Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescence. *Handbook of adolescent psychology*, 9(11), 159-187.
- Martinelli, A. (2005). *Global modernization rethinking the project of modernity*. London: Sage Publications.
- Misuraca, R., Teuscher, U., & Faraci, P. (2016). Is more choice always worse? Age differences in the overchoice effect. *Journal of Cognitive Psychology*, 28(2), 242-255.

- Morgan, E. M., & Korobov, N. (2012). Interpersonal identity formation in conversations with close friends about dating relationships. *Journal of adolescence*, 35(6), 1471-1483.
- Naz, A., Khan, W., Hussain, M., Daraz, U. (2011). The crisis of identity: Globalization and its impact on socio-cultural and psychological identity among Pakhtins of Khyber Pakhtunkhwa Pakistan. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, April 2011, Vol. 1, No. 1.
- Oppong, S. H. (2013). Religion and Identity. *American International Journal of Contemporary Research*, 3(6), 10-16.
- Para, E. A. (2008). The role of social support in identity formation: A literature review. *Graduate Journal of Counseling Psychology*, 1(1), 9.
- Parekh, B. (2008). *A new politics of identity: Political principles for an interdependent world*. Palgrave Macmillan.
- Rogers, K. L. (2006). *Identity Crisis: Modernity and Fragmentation*.
- Schalk, S. (2011). Self, Other and other- self: going beyond the self/other binary in contemporary consciousness, *journal of comparative research in Anthropology and sociology*, vol.2, No.1.
- Scheibehenne, B., Greifeneder, R., & Todd, P. M. (2010). Can there ever be too many options? A meta-analytic review of choice overload. *Journal of Consumer Research*, 37(3), 409-425.
- Sokol, Justin T. (2009). Identity Development Throughout the Lifetime: An Examination of Eriksonian Theory, *Graduate Journal of Counseling Psychology*: Vol. 1: Iss. 2, Article 14.
- Strauss, L. (1989). The three waves of modernity. An introduction to political philosophy: Ten essays by Leo Strauss, 81-98.